

اقتصاد سیاسی ایران در دوران دفاع مقدس*

ابراهیم متقی^۱، مهدی قربانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶

چکیده:

هرگونه منازعه منطقه‌ای تأثیر خود را در اقتصاد سیاسی بین‌المللی به جا می‌گذارد. برخی از نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی بین‌المللی همانند «سوزان استرنج» به این موضوع اشاره دارند که بسیاری از جنگ‌های منطقه‌ای تلاش سازمان‌یافته‌ای برای کنترل مجدد منابع اقتصادی خواهد بود. براساس چنین نگرشی، هرگونه تلاش برای کنترل منابع اقتصادی و راهبردی زمینه لازم برای ظهور جنگ‌های منطقه‌ای جدید را به وجود می‌آورد. به همان‌گونه‌ای که جنگ‌ها رابطه درهم‌تنیده‌ای با اقتصاد سیاسی بین‌المللی دارند، با اقتصاد سیاسی کشورهای منطقه‌ای و بازیگران درگیر نیز رابطه متقابل دارد. هر دوران زمانی و شکل‌بندی‌های ساختاری می‌تواند تأثیر خود را در اقتصاد سیاسی دفاع و جنگ به جا گذارد. مطالعات انجام شده بیانگر آن است که اقتصاد سیاسی رابطه بین جنگ، ساخت اجتماعی و اقتصادی کشورها را منعکس می‌سازد. زندگی اجتماعی و سیاسی ایران در دوران جنگ تحمیلی تحت‌تأثیر قالب‌های اقتصاد سیاسی دفاع حاصل شده است. در دوران دفاع مقدس نشانه‌هایی از نظامی کردن اقتصاد در کشورهای صنعتی سرمایه‌داری وجود داشته است. پرسش اصلی مقاله آن است که «جنگ تحمیلی چه تأثیری بر اقتصاد سیاسی ایران به جا گذاشته است؟» فرضیه مقاله به این موضوع اشاره دارد که «اقتصاد سیاسی دفاع مقدس منجر به رشد اقتصادی منفی و افزایش ضریب قابلیت‌های مقاومت و راهبردی در ایران گردید.» در تبیین مقاله از روش‌شناسی تحلیل محتوا استفاده می‌شود. در تنظیم مقاله از رهیافت «رابرت گیلپین» و «سوزان استرنج» در ارتباط با شاخص‌های اقتصاد سیاسی بین‌المللی و منازعات منطقه‌ای استفاده شده است.

واژگان اصلی: اقتصاد سیاسی مقایسه‌ای، دفاع مقدس، رکود اقتصادی، خوداتکایی و خودکفایی راهبردی.

emottaghi@ut.ac.ir

۱. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

* این مقاله مستخرج از پروژه پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد پاسدار حاج قاسم سلیمانی است و از حمایت مادی و معنوی آن برخوردار شده است.

مقدمه

برابر اصلی ترین اهداف دفاع مقدس را می توان مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. برای مقابله با تهدیدات لازم است تا کشورها تمامی منابع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاست خارجی خود را بسیج نمایند. ایران در روند تحقق اهداف دفاع مقدس توانست بخش قابل توجه از قابلیت‌های اقتصادی خود را مورد استفاده قرار دهد. اگر اصلی ترین اهداف دفاع مقدس را قدرت‌سازی، بازدارندگی، امنیت‌سازی و ائتلاف‌سازی بدانیم، تحقق هر یک از اهداف یاد شده نیازمند بهره‌گیری از قابلیت‌های اقتصادی فراگیر خواهد بود.

نظریه‌پردازانی همانند «آندرتون» و «کارتر» اقتصاد صلح را به مثابه کاربرد علم اقتصاد برای درک، شناخت و مقابله با منازعات خشونت‌بار در نظام بین‌الملل می‌دانند. مدیریت امنیت ملی کشورها، رابطه مستقیمی بین سیاست قدرت و تهدیدات دارد، بنابراین تحلیل هزینه‌های اقتصادی منازعه، مسابقه تسلیحاتی، کنترل تسلیحات و جغرافیای منازعه بر اقتصاد دفاعی کشورها تاثیر به‌جا می‌گذارد. اقتصاد دفاعی صلح به مفهوم آن است که به چه میزان باید یک کشور هزینه کند تا بتواند صلح و امنیت خود را در محیط منطقه‌ای تامین کند (دری نوگورانی، ۱۳۹۲: ۲۶).

هدف اصلی عراق در روزهای آغازین جنگ، کاهش قدرت و قابلیت اقتصادی ایران بوده است. برای تحقق این امر از سازوکارهای مربوط به اقدام تهاجمی در جهت نابودسازی زیربنای اقتصادی و صنعتی کشور بهره گرفته است. در اولین روزهای نبرد با تخریب و وارد آمدن آسیب وسیع به تاسیسات صدور نفت همچون پالایشگاه‌ها، پایانه‌ها و خطوط لوله انتقال نفت، تولید و صدور نفت هر دو کشور کاهش یافت و دچار افت شدید درآمدهای نفتی شدند.

فرسایشی شدن جنگ تحمیلی برای طرفین که اقتصاد آنها بر پایه صادرات نفت استوار بوده است، سبب بروز مشکلات جدی شد. کاهش منابع ارزی از یکسو و افزایش هزینه‌های جنگ از سوی دیگر، باعث کسر بودجه و استقراض‌های مکرر خصوصاً برای عراق شد. بنابراین وضعیت اقتصادی ایران و عراق بیش از هر چیز متاثر از نوسانات قیمت، سطح تولید و صادرات این منبع حیاتی بود. اقتصاد دفاعی صلح به مفهوم آن است که به چه میزان باید یک کشور هزینه کند تا بتواند صلح و امنیت خود را در محیط منطقه‌ای تامین کند (دری نوگورانی، ۱۳۹۲: ۲۶).

عراق در سال‌های آغازین جنگ تحمیلی وضعیت متفاوتی به لحاظ اقتصادی با ایران داشت. در همین دوران به سبب بالابودن سطح کل صادرات و مثبت بودن تراز تجاری و رشد چشمگیر تولید

ناخالص داخلی‌اش، از رونق اقتصادی خوبی برخوردار بود. جنگ ایران و عراق به‌عنوان بخشی از رقابت‌های ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود که موضوع نظامی‌گری با ماجراجویی کمپانی‌های تسلیحاتی پیوند یافته به گونه‌ای که تاثیر خود را در معادله سیاست و امنیت منطقه‌ای به جا گذاشت.

بخش قابل توجهی از ذخیره مالی و اقتصادی ایران و عراق و کشورهای خلیج فارس در روند جنگ ایران و عراق و همچنین در ارتباط با جنگ دوم خلیج فارس هزینه شده است. عراق تقریباً در تمام طول جنگ، به پایانه نفتی خارک که در ابتدا ۹۰ درصد صادرات نفت از آنجا انجام می‌شد، حمله کرد. این حملات آسیب‌های جدی به تاسیسات حمل و صدور نفت ایران وارد کرد. با این همه هیچ‌گاه مانع از صدور نفت ایران نشد. در چنین فرایندی است که شاهد ماجراجویی شرکت‌های تسلیحاتی برای تشدید منازعه و ایجاد جنگ‌های فرسایشی در محیط منطقه‌ای بوده‌ایم (Fitzgerald, 2000).

مسعود نیلی از مسئولان سازمان برنامه و بودجه در تشریح اوضاع اقتصادی اواخر جنگ خاطر نشان کرده است که در آن سال‌ها یعنی ۶۵، ۶۶ و ۶۷ قیمت نفت به پایین‌ترین حد خود رسیده بود و چشم‌انداز روشنی برای آن وجود نداشت. در سال ۶۷ مجموع درآمد ارزی کشور به زحمت به هفت میلیارد دلار می‌رسید و این یک فاجعه بود. در این سال ۵۳ درصد کسری بودجه وجود داشت که از دید شاخص‌های کلان اقتصادی، به‌معنای وجود یک عدم تعادل ناپایدار بود. در واقع برای فهمیدن وضعیت بد اقتصادی کشور، شاید نیاز به یک پیش‌بینی ۱۰ ساله هم نبود. وضعیت سال ۶۷ به اندازه‌ای بد و ناامیدکننده بود که نشان دهد این شرایط قابل دوام نیست (احمدی امویی، ۱۳۸۲: ۲۸۱).

درآمد نفتی ایران منجر به ظهور چالش‌هایی در تامین نیازهای تسلیحاتی گردید. تفاوت‌های بسیار مهمی را می‌توان در سازوکار بسیج سیاسی در جامعه انقلابی ایران برای پشتیبانی و تدارک جنگ و نظام سیاسی عراق جستجو کرد. به همین دلیل دولت انقلابی ایران قادر شد جنگ را با کمترین اتکا به کمک‌های خارجی پیش ببرد درحالی‌که عراق جنگ را با حدود ۹۰ میلیارد دلار بدهی خارجی به پایان رساند. از سوی دیگر می‌توان به این نتیجه رسید که نفت چگونه بر محاسبات دولتمردان انقلابی ایران در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تاثیر به جا گذاشته است (Chubin and Tripp, 1988:125).

۱. شاخص‌های اقتصاد سیاسی ایران در دوران آغازین دفاع مقدس

اقتصاد ایران در سال‌های آغازین جنگ یعنی ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ به دلیل کاهش تولید، صدور نفت و درآمدهای حاصل از صادراتش روند تنزلی داشت و با فزونی گرفتن سطح واردات بر صادرات، تراز تجاری منفی شد. تجربه بسیاری از منازعات منطقه‌ای مربوط به کشورهای در حال توسعه بوده است. کشورهای در حال توسعه عموماً بخشی از سازوکارهای مربوط به سیاست قدرت را شکل می‌دهند. کشورهای ثروتمند منطقه‌ای همانند عراق و کویت در جنگ خلیج فارس نقش موثری در هزینه اقتصاد سیاسی جنگ عهده دار شده‌اند.

جنگ مستلزم صرف هزینه‌های سنگین برای وارد کردن تسلیحات جنگی بود و بدون پرداخت این هزینه‌ها برای تامین تجهیزات نظامی، ایران نمی‌توانست جنگ را برای مدت ۸ سال ادامه دهد. کاهش درآمد نفتی ایران تاثیر خود را در قابلیت‌های تاکتیکی، اهداف و سیاست‌های عمومی ایران به جا گذاشته است. کسب و تداوم دائمی قدرت در عراق توسط صدام، بدون رجوع به این نظام سیاسی مبتنی بر نفت امکان‌پذیر نبوده است (Alnasrawi, 1994: 6). در سال ۱۹۸۰ مقارن با حمله عراق به ایران، بودجه عراق ۶۳ درصد افزایش یافت و ۱۵ کشور جهان، بیش از ۶ میلیارد دلار تجهیزات نظامی در اختیار آن کشور قرار دادند. در مجموع عراق در آغاز دهه ۱۹۸۰ به بزرگترین قدرت نظامی و منطقه‌ای خلیج فارس تبدیل شد. به ویژه باید توجه داشت که در این زمان، به واسطه تبعات انقلاب در ایران، ساختار ارتش به طور کامل درهم ریخته بود. این قدرت نظامی به همراه قدرت اقتصادی با پشتوانه ۲۴ میلیارد دلار آمد نفتی در سال ۱۹۷۹ و با ارائه چهره باثبات از لحاظ سیاسی، موقعیت ممتازی در معادلات منطقه‌ای به دست آورد (ثانی‌نژاد، ۱۳۷۳: ۱۷۰).

در ارتباط با هزینه جنگ و درآمدهای نفتی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. دوره ۸۴-۱۹۸۰ و ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ که در عمل می‌توان این تقسیم‌بندی را به سال پایان جنگ یعنی ۱۹۸۸ نیز گسترش داد. بر این اساس در دوره نخست، صادرات نفت ایران به طور نسبی از حملات عراق در امان ماند. در همین دوره، دولت پس از انقلاب قادر بود بخش مهمی از نیازهای تسلیحاتی خود برای ادامه جنگ را از محل سلاح‌های خریداری شده از زمان شاه، تامین نماید. به همین علت بود که در این دوره، هزینه‌های جنگ تنها ۱۵ تا ۲۰ درصد از درآمدهای دولت را جذب کرد و حتی از سرمایه‌گذاری دولت در چارچوب برنامه‌های توسعه سخن گفته می‌شد (Chubin and Tripp, 1988: 126).

۱-۱. تحول اقتصاد سیاسی ایران دوران قبل و بعد از دفاع مقدس

ارزیابی‌های انجام شده نشان می‌دهد که هزینه جنگ برای ایران بیش از ۶۴۴ میلیارد دلار بوده است. گسترده بودن هزینه‌های دفاع مقدس تاثیر خود را در فضای مربوط به «کاهش تولید ناخالص ملی» به جا می‌گذارد. این هزینه برای عراق حدود ۴۵۳ میلیارد دلار برآورد شده است که عمدتاً در کاهش درآمد نفتی بروز کرده است. آشکارا جنگی که برای دو کشور در حال توسعه بیش از یک تریلیون دلار در سال‌هایی اندک در بر داشته است، خسارات هنگفتی ایجاد نمود.

جنگ موجب شد بخشی از بودجه کشور به امور دفاعی تخصیص یافته و بسیاری از سرمایه‌های انسانی و سایر منابع، به امور جنگ اختصاص یابد. همچنین اشغال بخشی از اراضی حاصلخیز و نیز واحدهای اقتصادی کشور، نابسامانی‌های ناشی از مهاجرت‌ها و به طور کلی، مشکلات یک اقتصاد درگیر جنگ را به دنبال داشت که اینها همه موجب شد تا اصلاح ساختار اقتصاد و بهبود مدیریت اقتصاد کشور با مشکلات بسیاری روبرو شود و کماکان درآمدهای نفتی که در آغاز انقلاب به دلیل کاهش عمده و برنامه‌ریزی شده صدور آن کاهش یافته بود، مجدداً نقش مؤثر و عمده‌ای را در اقتصاد ایران ایفا کند (دژپسند و رثوفی، ۱۳۸۷: ۹۱).

جنگ تحمیلی بیشترین آثار مثبت را برای متحدین اقتصادی و راهبردی آمریکا به جا گذاشت. جنگ ایران و عراق منجر به ارتقاء اقتصاد ترکیه در بازارهای پیرامونی گردید. سرمایه‌گذاری اقتصاد جهانی نیز در ترکیه انجام گرفت. به این ترتیب، زمینه برای شکل جدیدی از تقسیم کار بین‌المللی فراهم می‌شود. در این کتاب، هزینه‌های اقتصادی مربوط به زیان‌های انسانی نیز بررسی شده است. آمار هزینه‌های انسانی جنگ ایران و عراق بسیار بالا بوده است (دری نوگورانی، ۱۳۸۲: ۹۳).

ارزیابی‌های انجام شده درباره اقتصاد سیاسی ایران در دوران‌های مختلف تاریخی بیانگر این واقعیت است که بخش خدمات در طول جنگ با ۵۹/۸ درصد بالاترین سهم را در تولید ناخالص داخلی داشت که البته این مسأله نشانه مثبتی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه تلقی نمی‌شود. سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی که در طول جنگ به دلیل حمایت‌های دولت در تامین مایحتاج اولیه مردم و خودکفایی در این زمینه، افزایش عمده‌ای یافته بود و از ۷/۷ درصد در دوران پیش از جنگ به ۱۲/۵ درصد رسیده بود، پس از خاتمه جنگ نیز به روند افزایشی خود ادامه داد و به ۱۵/۱ درصد رسید. سهم ارزش افزوده بخش صنایع و معادن نیز هم چنان‌که در جدول فوق مشهود است، در هر دوره نسبت به دوره ماقبل افزایش داشته و این روند تا پس از جنگ نیز ادامه داشته است (دژپسند، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

جدول مقایسه‌ای اقتصاد ایران در سه دوره قبل، حین و پس از جنگ

بخش	کشاورزی		نفت		صنعت و معدن		خدمات	
	مقدار (میلیاردریال)	سهم (درصد)	مقدار (میلیاردریال)	سهم (درصد)	مقدار (میلیاردریال)	سهم (درصد)	مقدار (میلیاردریال)	سهم (درصد)
سال / ارزش افزوده								
۱۳۵۷-۱۳۵۲	۹۸,۹۹۹	۷/۷	۴۴۵,۳۴۰	۳۵/۵	۱۶۴,۱۷۷	۱۲/۷	۶۱۹,۶۳۳	۴۸
۱۳۶۷-۱۳۵۸	۲۴۳,۶۶۷	۱۲/۵	۲۶۹,۰۰۵	۱۳/۶	۳۰۵,۱۸۷	۱۵/۷	۱۱۶۶,۲۹۱	۵۹/۸
۱۳۷۳-۱۳۶۸	۲۱۵,۹۲۹	۱۵/۱	۲۴۰,۷۲۱	۱۶/۸	۲۵۷,۲۹۶	۱۷/۹	۷۳۶,۱۵۹	۵۰/۹

۱-۲. اقتصاد سیاسی بین‌المللی ایران در دوران دفاع مقدس

یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری جنگ عراق علیه ایران را باید در ارتباط با عبور از رکود اقتصادی جهانی دانست. جنگ‌های منطقه‌ای می‌توانست نیازهای اقتصادی کشورهای صنعتی غرب به ویژه آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه را تامین کند. هر یک از کشورهای یاد شده را می‌توان به‌عنوان بخشی از نیروهای موازنه‌دهنده در دوران دفاع مقدس دانست. در ابتدای دهه ۱۹۸۰، اقتصاد بین‌المللی که از پس رکود طولانی برنیامده بود و با کاهش بیشتر سودآوری ناشی از اضافه ظرفیت و اضافه تولید عقب رفته بود، بر بخش تولیدی متمرکز شد. انقلاب ریگان - تاجر در این اوضاع و احوال، خود را به عنوان حلال مشکلات اساسی اقتصاد مطرح کرد که کینز به وجود آورده و تداوم بخشیده بود (برنر، ۱۳۸۱: ۳۲۴).

در شرایطی که درآمدهای نفت ایران به واسطه بروز شوک سوم نفتی، به کمتر از نصف کاهش یافته بود، عراق حملات خود را به تاسیسات و کشتی‌های نفتکش ایران افزایش داد. چنین فرآیندی در تمامی دوران دفاع مقدس وجود داشته اما در سال ۱۹۸۶ به ویژه بعد از قطعنامه شورای امنیت به گونه تدریجی با تغییراتی روبه‌رو گردید. در این زمان صادرات نفت ایران به زحمت ۱/۱ میلیون بشکه می‌رسید. ایران برای حفظ این سطح از صادرات نفت ناچار بود هزینه‌های فراوانی برای ناوگان نفتکش‌های رفت و برگشت و نفتکش‌های ذخیره نفت بپردازد. اولی ۲۰ هزار دلار و دومی ۱۰ هزار دلار در روز هزینه داشت. علاوه بر این، سه برابر شدن هزینه بیمه کشتی‌ها در دوران جنگ نفتکش‌ها را نیز باید در نظر گرفت (Chubin and Tripp, 1988: 136).

از اواسط دهه ۱۳۶۰، سهمیه ارزی برای توسعه اقتصادی در بودجه عمومی به گونه قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. به طور مثال، طی سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، کل بودجه کشور ۴۱/۵ میلیارد دلار بود و صرفاً ۱۲/۱ میلیارد دلار آن به حوزه‌های توسعه اقتصادی اختصاص یافت. در حالی که طی این سالها میزان هزینه‌های توسعه اقتصادی ایران ۱۲/۵ میلیارد دلار برآورد شده بود. این رقم در برنامه پیشنهادی دولت برای سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ به ۱۵/۲ میلیارد دلار رسید. این روند نشان می‌دهد که با کاهش درآمدهای ارزی دولت، میزان هزینه‌های توسعه اقتصادی نیز کاهش می‌یابد (احتشامی، ۱۳۸۵: ۱۶۶).

در بیان اوضاع اقتصادی دوران جنگ، علاوه بر خسارت‌های وارده به زیربنای اقتصادی، با پدیده‌های مشابهی که در سایر بحران‌های اقتصادی نیز وجود دارد، روبرو و شاهد کاهش انگیزه تولید، بیکاری، کسری بودجه دولت، ضربه به بازار سرمایه، کاهش سرمایه‌گذاری، عدم تعادل‌های اقتصادی، از بین رفتن ظرفیت‌های تولیدی و همچنین فشارهای تورمی خواهیم بود. در جنگ، محصول عناصر اقتصادی آسیب می‌بیند یا در معرض تهدید قرار می‌گیرد بنابراین در این دوران اقتصاد کشورهای درگیر جنگ ویژگی‌ها و مشکلات خاص خود را دارد (دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷: ۲۱).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مشکلات دوران اقتصادی کشورهای درگیر جنگ «کاهش تولید» است. در اوضاع جنگی، از سویی به دلیل اشغال بخشی از مناطق، واحدهای اقتصادی آن مناطق از چرخه تولید خارج می‌شوند و از سوی دیگر، به دلیل انتقال بخشی از منابع ارزشی و انسانی به حوزه جنگ، واحدهای اقتصادی مستقر در خارج از محدوده مناطق جنگی نیز در مسیر کاهش تولید قرار می‌گیرند. مشکلاتی که برای عوامل و امکانات تولید مانند نیروی انسانی، منابع طبیعی، سرمایه، تکنولوژی و سایر امکانات و تجهیزات تولید به وجود می‌آید، بر کاهش تولید کالاها مؤثر است (اسدی، ۱۳۷۱: ۲۰).

در خلال هشت سال جنگ تحمیلی، یکی از عمده‌ترین اقلام هزینه‌های دولت، تامین مخارج جنگ بود. این رقم در سال ۱۳۶۰ معادل ۳۸ میلیارد تومان بود و در سال ۱۳۶۷ به رقم ۹۶ میلیارد تومان رسید که نشانگر سه برابر شدن هزینه دولت در جنگ است. هزینه‌های جنگ از درآمد نفت تبعیت می‌کند و تا سال ۱۳۶۴ به طور متوسط یک سوم درآمد نفت صرف جنگ شده است اما با سقوط درآمد نفت، این رابطه به هم خورد یعنی در شرایطی که هزینه جنگ به شدت افزایش یافته بود، درآمد نفت دچار کاهش چشمگیری شد.

نظریه‌پردازانی همانند هوگلند در صدد برآمدند تا تبیین دقیقی از واقعیت‌های جنگ ایران و عراق ارائه دهند. هوگلند یکی از نظریه‌پردازانی است که تلاش فراوانی به انجام رساند تا درک دقیقی از هزینه‌های جنگ ایران و عراق براساس شاخص‌های اقتصاد سیاسی بین‌المللی را ارائه نماید. حمله نظامی عراق به ایران عمدتاً در حوزه‌هایی شکل گرفته که منابع و تاسیسات نفتی ایران در آن قرار داشته است. براساس چنین نگرشی، ایدئولوژی و اقتصاد سیاسی بین‌المللی در زمره عناصر اصلی شکل‌گیری، گسترش و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای بوده است (Hoagland, 1989:6).

۳-۱. جنگ نفتکش‌ها با هدف کاهش قدرت اقتصادی ایران

اگرچه جنگ نفتکش‌ها به‌عنوان موضوعی تاکتیکی در روند منازعه منطقه‌ای ایران و عراق محسوب می‌شود، اما دارای ریشه‌های اقتصاد سیاسی بین‌المللی است. اقتصاد سیاسی بین‌المللی رابطه بین منازعات منطقه‌ای، الگوی کنش قدرت‌های بزرگ و چگونگی تقسیم کار بین‌المللی را منعکس می‌سازد. هرگونه رقابت منطقه‌ای نیازمند شکل خاصی از اقتصاد سیاسی است. اقتصاد سیاسی رقابتی در فضای جنگ ایران و عراق منجر به افزایش تهدیدات علیه ایران و کاهش منابع اقتصادی ایران گردید.

کاهش منابع اقتصادی ایران از این جهت اهمیت دارد که زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی در برابر تهدیدات فراملی را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. عراق درصدد بود تا مزیت نسبی خود را ارتقا داده و از این طریق به اهداف سیاسی و راهبردی خود در محیط منطقه‌ای نایل شود. درحالی‌که ایران تلاش داشت تا شکل خاصی از موازنه در اقتصاد سیاسی منطقه‌ای را فراهم آورد. هرگونه موازنه‌سازی در محیط منطقه‌ای ایجاب می‌کرد که ایران روابط خود در حوزه سیاست خارجی و راهبردی را متنوع و پیچیده سازد.

محدودسازی قدرت ایران از طریق سازوکارهای متفاوتی حاصل شد. از آنجایی که آمریکا و اتحاد شوروی سیاست بی‌طرفی در برابر جنگ ایران و عراق را اتخاذ کرده بودند، امکان فروش نفت ایران در بازارهای بین‌المللی وجود داشت. هیچگونه تحریمی علیه نهادهای اقتصادی و صنعتی ایران مشاهده نمی‌شد. عراق برای محدودسازی قدرت اقتصادی ایران از گزینه جنگ نفتکش‌ها استفاده کرد. عراق نمی‌توانست از نظر ذخیره نیروی انسانی، عمق استراتژیک یا توان اقتصادی، خود را به پای ایران برساند.

مقابله با قابلیت اقتصادی ایران از طریق سازوکارهای نظامی و امنیتی انجام گرفت. در سال ۱۹۸۰ عراق در نیروی هوایی، به برتری تاکتیکی در برابر ایران دست یافت. کودتای نوژه در شرایطی ایجاد شد که برتری قدرت هوایی ایران خدشه‌دار شود. بخش قابل توجهی از خلبانان قدرتمند و ماهر ایران موقعیت خود را در فضای کودتای نوژه از دست دادند. بی‌اعتمادی نسبت به نیروی هوایی افزایش یافته و این امر زمینه کاهش انگیزه خلبانان موثر ایران در روند امنیت‌سازی منطقه‌ای را فراهم آورد.

در چنین شرایطی بود که عراق از قدرت هوایی برتر برخوردار شده و این امر موقعیت اقتصادی ایران در محیط منطقه‌ای را با چالش روبه‌رو نمود. مورد اعتمادترین گزینه پیش‌رویش این بود که از این عامل برای پایان بخشیدن به جنگ بهره‌برداری کند. به همین علت بود که به جنگ نفت‌کش‌ها روی آورد با این امید که به اهدافی دست یابد. از جمله این اهداف عبارتند از: با کاستن از توان ایران در صدور نفت، اقتصاد این کشور را تضعیف کند. همچنین جنگ را بین‌المللی سازد و از فشار به نیروهای زمینی خود در عرصه نبرد بکاهد (El-Sayed El-shazly, 1998: 10).

هرگونه حمله عراق به تاسیسات نفتی ایران تاثیر خود را در ارتباط با موازنه دریافت‌ها و قیمت نفت در بازار جهانی به جا می‌گذاشت. عراق پیش از سال ۱۳۶۳ به تاسیسات نفتی و نفتکش‌ها در خلیج فارس حمله می‌کرد اما در سال ۱۳۶۳ با دریافت تجهیزات نظامی جدید و آموزش خلبانان خود در فرانسه، دور تازه‌ای از این حملات را آغاز کرد. در پی حملات عراق به خارک و بندر امام خمینی، صادرات نفت ایران در سال ۱۹۸۴ به ۱/۴ میلیون بشکه در روز کاهش یافت.

ایران بر ضرورت موازنه اقتصادی و همچنین موازنه صادرات نفت با عراق تاکید داشت. تا آخر سال ۱۹۸۴، استمرار حملات عراق و ابهامات موجود در بازار نفت، صادرات نفت ایران را باز هم کاهش داد و به یک میلیون بشکه در روز رساند. با این حال، در شرایطی که بازار نفت در حال رکود بود و بخشی از ظرفیت نفتکش‌ها برای حمل نفت بدون استفاده باقی مانده بود، تجار و خدمه کشتی‌های نفتکش به زودی دریافتند حمل نفت ایران با توجه به تخفیف‌های در نظر گرفته شده، به مخاطرات آن می‌ارزد (Chubin, 1989: 135).

ایران همچنین یک ناوگان رفت و برگشت از کشتی‌های نفت‌کش تشکیل داد تا نفت را از منطقه پرخطر خارک به جزایر سیری و لاوان که دور از دسترس هواپیماهای عراقی بود، برساند. با این حال تنها ۳۰۰ هزار بشکه از نفت صادراتی ایران می‌توانست از این راه انتقال پیدا کند. با تشدید حملات

عراق به پایانه خارک در سال ۱۹۸۵ صادرات نفت ایران دوباره رو به کاهش گذاشت و متوسط صادرات نفت ایران به زیر یک میلیون بشکه در روز رسید. بدین ترتیب بود که تنها ۶۰ درصد از درآمد نفتی مورد انتظار ایران در سال ۱۹۸۵ محقق شد (Chubin, 1989: 136).

ایران در ابتدای سال ۱۹۸۶ با مشکلات تازه‌ای در کسب درآمدهای نفتی روبرو شد. بهای نفت در ماه‌های نخست سال ۱۹۸۶، از ۲۸ دلار به ۱۴ دلار کاهش یافت. به نوشته نشریه «میدل‌ایست اکونومیست»، پس از تسخیر بندر عراقی فاو به دست نیروهای ایران، عربستان که تا قبل از آن بر اساس سهمیه تعیین شده، روزانه ۴/۳۵ میلیون بشکه نفت تولید می‌کرد، ناگهان تولید نفت خود را به ۶ میلیون بشکه در روز رساند. وزیر نفت ایران در هفتاد و هفتمین اجلاس «اوپک» جنگ قیمت‌ها را حرکتی امریکایی خواند که عربستان آن را آغاز کرده است.

۴-۱. دلایل ژئواکونومیک جنگ ایران و عراق

پژوهشگران اقتصاد سیاسی بین‌المللی همواره این پرسش را مطرح کرده‌اند که «چرا جنگ‌ها آغاز می‌شوند؟» پاسخ به چنین پرسشی مورد انتقاد نظریه‌پردازان رقیب قرار داشته است. یکی از متغیرهای دخیل در شکل‌گیری منازعات منطقه‌ای، ارتباط مستقیم با «منابع اقتصادی» و «منابع طبیعی» دارد. از نظر «فیلیپ بیلون»، منابع طبیعی در گذشته به‌عنوان ابزار یا اهداف جنگ و نیز اهداف استراتژیک مورد استفاده قرار گرفته است و در آینده نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. وی اظهار می‌کند که بین جنگ، ثروت و قدرت رابطه ناگسستنی وجود داشته و این امر تأثیر خود را بر الگوی کنش بازیگران و دولت‌ها به‌جا می‌گذارد (Billon, 1985:231).

شاخص‌های اقتصاد سیاسی ایران و عراق با یکدیگر مشابهت دارد. هر دو کشور دارای اقتصاد سیاسی نفت‌محور بوده و برای تامین نیازهای عمومی از سیاست فروش نفت بهره می‌گیرند. مواد خام یکی از مهم‌ترین عوامل وقوع جنگ در کشورها و مناطقی است که از نعمت این منابع برخوردارند. از آنجا که خلیج فارس و کشورهای خاورمیانه به‌عنوان مهمترین کشورهای صادرکننده و صاحب منابع عظیم نفتی شناخته شده‌اند، بنابراین این منابع نقش مهمی در درگیری‌ها و جنگ‌های منطقه بازی کرده‌اند (مهرابی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۶۶).

صاحب‌نظران مسائل نفت و سیاست بر این باورند که در هر کشوری که جنگی رخ دهد و ذخایر نفتی در آنجا وجود داشته باشد، ارتباط مستقیمی بین منازعه، ستیزش، منابع طبیعی و اقتصاد سیاسی بین‌المللی وجود دارد. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران میان دو کشور عمده صادرکننده نفت

در منطقه خلیج فارس که به مخزن انرژی جهان شهرت دارد، رخ داد. با این حساب می‌توان از پیوند این جنگ با ثروت و درآمدهای نفت هر دو کشور و حتی نفت منطقه خلیج فارس سخن گفت (میرترابی، سمیعی و ربیعی، ۱۳۹۰: ۲۵).

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران میان دو کشور عمده صادرکننده نفت رخ داد. هر دو کشور در زمان آغاز جنگ، حجم قابل توجهی نفت تولید و صادر می‌کردند و تا اندازه زیادی در زمینه درآمدهای ارزی و هزینه‌های دولت، به درآمدهای نفتی اتکا داشتند. مهم‌ترین چارچوب‌های تحلیلی مرتبط با آثار درآمدهای نفتی بر روندهای سیاسی در کشورهای صادرکننده نفت را می‌توان در دو رویکرد نظری به نام «دولت رانتیر» و «بلای منابع» پیدا کرد. هر چند که تجدیدنظری‌هایی در هر دو رویکرد صورت گرفته است (میرترابی، ۱۳۸۸: ۶۵).

در رویکرد موسوم به «بلای منابع» که به طور کلی نگاهی آسیب‌شناسانه به آثار اتکا به منابع طبیعی و از جمله نفت دارد، بر رابطه میان درآمدهای نفت، بروز خشونت و جنگ تاکید شده است. در این ارتباط می‌توان به نظریه نفت به‌عنوان «غنیمت» اشاره کرد که در ذیل رویکرد بلای منابع مطرح شده است. به طور کلی تلاش برای دسترسی به منابع طبیعی و مناطق دربرگیرنده آن، سرمنشأ تضادها و منازعات بی‌شماری بوده است که از آغاز پیدایش تمدن بر روی این کره خاکی جریان داشته و هنوز هم ادامه دارد. سیطره یافتن بر هر نوع منبع طبیعی، از زمان‌های بسیار دور علت اصلی بروز درگیری‌ها بوده و در مورد برخی از مواد معدنی که در اقتصاد ملی و بین‌المللی نقش چشمگیری داشته‌اند، این وضع شدیدتر بوده است (مومر، ۱۳۸۶: ۱).

نقش‌یابی امریکا در ژئوپلیتیک اقتصادی منازعه نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. امریکا در صدد برآمد تا موقعیت ایران را از طریق جنگ منطقه‌ای کنترل کند. یکی از اهداف راهبردی امریکا در محیط منطقه‌ای خلیج فارس، کنترل انقلاب اسلامی ایران بوده است. عراق می‌توانست چنین هدفی را از طریق سازوکارهای فرهنگی، ایدئولوژیک و نظامی تحقق بخشد. حمایت امریکا از عراق در جنگ علیه ایران بر اساس شاخص‌های اقتصاد سیاسی منازعه تبیین شده است. اتحاد شوروی نیز تمایلی به پیروزی ایران در جنگ با عراق نداشت. پیروزی ایران می‌توانست عامل مؤثری در تهییج جمهوری‌های مسلمان در ساختار جغرافیایی و سیاسی اتحاد جماهیر شوروی گردد (Bromley, 2005: 227).

جنگ ایران و عراق نه تنها تحت تاثیر ژئوپلیتیک اقتصادی منازعه قرار دارد، بلکه با شکل‌بندی‌های اقتصاد و سیاست جهانی نیز پیوند یافته است. گسترش رقابت بین بازیگران مدعی منطقه‌ای در خلیج فارس، چالش‌های امنیتی کمتری را برای آینده سیاسی امریکا در محیط منطقه‌ای به وجود می‌آورد. هدف اصلی امریکا، کنترل نفت و منابع اقتصاد منطقه‌ای است. در چنین شرایط و فضایی، امریکا توانست در جنگ ایران و عراق مداخله نموده و بعد از آن، محور اصلی جنگ دوم خلیج فارس شود (Bromley, 2005: 243).

واقعیت‌های ژئوپلیتیک اقتصادی منازعه به این موضوع اشاره دارد که اولاً ایران و عراق دو کشور با اکثریت شیعه بوده که جنگ بین این کشورها منجر به کاهش انرژی و قدرت شیعیان به‌عنوان نیروی متحد منطقه‌ای می‌شود. دوم آنکه ایران و عراق جمعاً در حدود ۲۰ درصد منابع نفت جهان را در اختیار داشته و از این طریق می‌توانستند در سیاستگذاری اقتصاد جهانی مداخله کنند. نکته سوم آنکه دو کشور یاد شده در زمره همسایگانی محسوب می‌شوند که دارای رقابت‌های تاریخی و هویتی بوده‌اند.

ایران و عراق در روند جنگ هشت ساله، بخش قابل توجهی از تاسیسات و منابع یکدیگر را هدف قرار دادند. از جمله منابعی که مورد هدف واقع شد، می‌توان به ایستگاه‌های پمپاژ نفتی، پالایشگاه‌های نفتی، خطوط لوله نفتی و ترمینال‌های نفتی اشاره داشت. بر اساس چنین فرآیندی، قابلیت اقتصادی دو کشور یاد شده به گونه مشهودی کاهش پیدا کرد. کاهش قابلیت اقتصادی و راهبردی ایران، منجر به وقفه در فرآیندهای مربوط به صدور انقلاب در محیط منطقه‌ای گردید (Shariati & Ghaffari, 2019: 59).

بخش قابل توجهی از شکل‌بندی و ساخت اقتصادی ایران براساس شاخص‌های اقتصاد دولتی شکل گرفته است. فروش نفت و اقتصاد رانتی زمینه افزایش نقش نهادها و سازمان‌های دولتی در کنترل اقتصاد را به وجود آورد. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشانه‌هایی از ملی‌سازی اقتصادی به وجود آمده و این امر روند محدودسازی اقتصاد غیردولتی ایران را تشدید نمود. در روند جنگ تحمیلی زمینه برای اعاده بخش خصوصی در حوزه تولید اقتصادی، واردات و صادرات فراهم شد.

۲. اقتصاد مقاومتی در فرآیند دفاع مقدس

پیوند اسلام و نفت، مفهوم جدیدی را در اقتصاد سیاسی ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آورد. جنگ تحمیلی را می‌توان به‌عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ اقتصادی ایران دانست که تاثیر خود را بر میزان خدمات عمومی کشور به جا گذاشت. هریس به این موضوع اشاره دارد که برای تبیین ویژگی‌های اقتصاد سیاسی و اجتماعی ایران پس‌انقلاب اسلامی، معمولاً مفهوم دولت رانتی و مضامین ایدئولوژیک تشیع سیاسی ترکیب می‌شود (هریس، ۱۳۹۸: ۴۹).

اقتصاد سیاسی ایران در دوران قبل از جنگ می‌توانست براساس چگونگی توزیع مجدد درآمدهای نفتی منجر به ارتقاء سطح جدیدی از ارائه خدمات عمومی گردد. دولت دینی رابطه خود را با ساختار اقتصادی جدیدی برقرار کرد که براساس معادله نفت، دولت، بازار، ساختار طبقاتی و شکل‌بندی کشش انگیزشی شهروندان و لایه‌های مختلف اقتصادی حاصل می‌شد. اتکای دولت به رانت ناشی از درآمد نفتی منجر به تعدیل سیاست‌های مالیاتی گردید (Mahdavy, 1989: 435).

هرگاه اقتصاد رانتی با تهدیدات بین‌المللی روبه‌رو شود، مشکلاتی برای ساخت اجتماعی و مدیریت اقتصادی کشور ایجاد خواهد شد. می‌توان گفت که نحوه برخورد مدیریت اقتصادی کشور با جنگ به دلایلی چون تغییر اوضاع و شرایط اقتصادی و بین‌المللی در طول جنگ، برخوردی یکنواخت نبوده است. در طول سال‌های جنگ به ویژه تا پایان سال ۱۳۶۴، مشکلات مختلف اقتصادی حادث شده از جنگ موجب نشد تا دولت به امور مختلف اقتصادی و اجتماعی بپردازد. در آن سال‌ها طرح‌های گسترده ملی در زمینه‌های مختلف، رشد و توسعه یافت.

اقتصاد مقاومتی یکی از شاخص‌های اصلی زندگی اجتماعی، ساختار بوروکراتیک و برنامه‌ریزی اقتصادی ایران در دوران دفاع مقدس بوده است. هر کشوری بر اساس شکل‌بندی‌های ساختاری خود می‌تواند زمینه لازم برای برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی را فراهم آورد. ایران نیازمند بهینه‌سازی معادله قدرت اقتصادی خود از طریق سازوکارهای مبتنی بر خودکفایی، خوداتکایی و کنترل فرآیندهای اقتصادی بوده است. بر این اساس می‌توان تأکید داشت که زمینه‌هایی از اقتصاد دفاعی شکل می‌گیرد. اقتصاد دفاعی رابطه مستقیم با نشانه‌هایی از اقتصاد مقاومتی دارد.

در دوران دفاع مقدس زمینه‌های شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی با رویکرد کنترل تورم به وجود آمد. «جاوین کندی» در مطالعات خود به این جمع‌بندی رسید که اقتصاد دفاعی، کاربرد علم اقتصاد برای تحلیل مسائل دفاعی است. بنابراین کشورها اقتصاد دفاعی خود را بر اساس ضرورت‌های

اقتصادی و نیازهای دفاعی تنظیم خواهند کرد. هرگونه تحلیل اقتصادی باید بتواند تاثیر خود را بر شکل‌بندی‌های سیاسی و راهبردی به‌جا گذارد. اقتصاد دفاع باید مبتنی بر وقوف همه‌جانبه کارگزاران حکومتی نسبت به روش‌های اقتصادی برای ارتقاء قدرت ملی باشد (دری نوگورانی، ۱۳۹۲: ۱۲).

بخشی از ضرورت‌های اقتصاد ملی ایران را می‌توان بر اساس اقتصاد نفتی جستجو و تبیین نمود. اقتصاد نفتی از قابلیت لازم برای تبیین اقتصاد بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس برخوردار است. اقتصاد نفتی می‌تواند زمینه لازم برای کنترل منابع، کنترل درآمدها و همچنین کنترل شکل‌بندی‌های اقتصاد سیاسی کشورها را به‌وجود آورد. بحران‌های منطقه‌ای همانند انقلاب اسلامی ایران و کودتای حزب بعث در ۱۹۶۸ را می‌توان در زمره عواملی دانست که تأثیر خود را بر اقتصاد جهانی به ویژه قیمت نفت به‌جا می‌گذارد.

ژئوپلیتیک اقتصادی منازعه از سوی نظریه‌پردازانی همانند «دسای» مطرح شده است. دسای به این موضوع اشاره دارد که بسیاری از منازعات منطقه‌ای تحت تاثیر ژئوپلیتیک اقتصادی قرار دارند. نامبرده جنگ ایران و عراق را نیز در زمره این‌گونه منازعات تبیین می‌کند. ژئوپلیتیک اقتصادی تحت تاثیر چگونگی کنش تعاملی بازیگران قرار گرفته و بر اساس مشارکت یا رقابت برخی از گروه‌ها در محیط‌های منطقه‌ای انعکاس پیدا می‌کند (Kurzman, 2013: 3).

افزایش قیمت نفت بعد از انقلاب اسلامی ایران منجر به رشد درآمدهای اقتصادی عراق و بسیاری دیگر از کشورهای حوزه خلیج فارس گردید. افزایش درآمدهای اقتصادی عراق تأثیر خود را بر نظامی‌گری و کنش تهاجمی عراق در مقابله با ایران به‌جا گذاشت. در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران، حکومت عراق با افزایش تولید و صادرات آن، پول قابل توجهی را به اقتصاد کشورش وارد کرد و سبب رشد و رونق چشمگیر اقتصادی‌اش شد. هرچند که با این عملکرد سبب افزایش وابستگی‌اش به نفت شد.

۱-۲. رابطه درهم‌تنیده اقتصاد مقاومتی و اقتصاد دفاعی

هرگونه شکل‌بندی اقتصادی تأثیر خود را بر سیاست‌های عمومی کشورها به‌جا می‌گذارد. اقتصاد سیاسی ایران در دوران بعد از انقلاب اسلامی معطوف به ارائه و حداکثرسازی خدمات اقتصادی داشته است. درحالی‌که چنین فرآیندی در ارتباط با عراق بر اساس توسعه قابلیت نظامی و کنش تهاجمی تعریف می‌شود. طبق برآورد وزارت برنامه‌ریزی عراق در سال ۱۹۸۰ میلادی، بخش

نفت ۶۷ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد. همچنین نفت در حدود ۹۰ درصد درآمدهای خارجی عراق را تشکیل می‌داد.

قابلیت اقتصادی یکی از شاخص‌های اصلی تاثیرگذار در راهبرد دفاعی کشورها محسوب می‌شود. ایران در دوران دفاع مقدس همواره تلاش داشت تا زمینه لازم برای تحقق راهبرد مقاومت در منازعه را فراهم آورد. تحقق راهبرد مقاومت را می‌توان کنترل تورم و کاهش ضریب جینی کشور دانست. چنین رویکردی تاثیر خود را برای افزایش مشارکت شهروندان ایران در دفاع مقدس به وجود آورد. به این ترتیب، کنترل تورم رابطه مستقیم با راهبرد بسیج گروه‌های اجتماعی داشته است.

همواره بین اقتصاد دفاع و امنیت ملی، رابطه درهم‌تنیده‌ای وجود دارد. قلمروی اقتصاد دفاع با ابعاد سیاسی فعالیت‌های اقتصادی، ابعاد اقتصادی فعالیت‌های سیاسی در عرصه دفاع و ابعاد امنیتی فعالیت‌های اقتصادی در حوزه دفاع، رابطه درهم‌تنیده‌ای دارد. مهمترین مسئله کشورها آن است که چه میزان از اقتصاد خود را برای آمادگی دفاعی باید هزینه کنند. به همین دلیل است که حوزه اقتصاد ملی کشورها، رابطه مستقیم و درهم‌تنیده‌ای با موضوع دفاع، امنیت ملی، منازعات اجتماعی و سیاسی دارد (دری نوگورانی، ۱۳۹۲: ۱۴).

به موازات چنین روندی، هیچگونه کنترلی بر بیکاری فزاینده جامعه وجود نداشت. دولت نمی‌توانست بیکاری ناشی از مهاجرت و افزایش جمعیت را کنترل نماید. رقم بیکاران کشور از اواسط دهه ۱۳۶۰ افزایش یافت و به حدود ۲ میلیون نفر رسید. این امر بیانگر آن بود که ۱۵ درصد از نیروی کار ۱۲/۵ میلیون نفری ایران در سال ۱۳۶۴ بیکار بودند. این رقم در سال ۱۳۶۵ به ۳/۸ میلیون نفر از مجموع ۱۳/۳ میلیون نیروی کار کشور یعنی ۱۶ درصد رسیده است. در پایان سال ۱۳۶۶، هزینه‌های دولت در بخش توسعه اقتصادی تنها ۱۸ درصد از بودجه عمومی را شامل می‌شد در حالی که هزینه‌های جاری، ۸۲ درصد از کل بودجه عمومی را به خود اختصاص می‌داد (Amirahmadi, 1990: 130).

مقایسه شاخص‌های اقتصادی ایران در طول سال‌های جنگ تحمیلی و پس از آن

سال / ایران	کل صادرات (میلیون دلار)	کل واردات (میلیون دلار)	تراز تجاری (میلیون دلار)	ارزش صادرات نفت (میلیون دلار)	GDP برحسب سال جاری (میلیون دلار)	تورم (درصد)
۱۹۸۱	۱۱۸۲۱	۱۶۰۱۶	۴۱۹۵	۱۰۰۴۷	۱۰۰۶۵۸	۲۲/۸
۱۹۸۲	۲۰۴۵۲	۱۴۳۳۴۵	۶۱۰۷	۱۸۶۹۰	۱۲۳۶۲۵	۱۹/۴
۱۹۸۳	۲۱۵۰۷	۱۸۰۲۷	۳۴۸۰	۲۰۲۷۳	۱۴۹۷۲۶	۱۴/۸
۱۹۸۴	۱۷۰۸۷	۱۴۷۲۹	۲۳۸۵	۱۵۷۱۳	۱۲۴۸۷۴	۱۰/۴
۱۹۸۵	۱۴۱۷۵	۱۲۰۰۶	۲۱۶۹	۱۳۰۱۲	۱۶۶۵۸۴	۶/۹
۱۹۸۶	۷۱۷۱	۱۰۵۸۵	-۳۴۱۴	۵۹۰۰	۱۹۸۲۴۸	۲۳/۷
۱۹۸۷	۱۱۹۱۶	۱۲۰۰۵	-۸۹	۹۴۰۰	۱۳۳۰۷۶	۲۷/۵
۱۹۸۸	۱۰۷۰۹	۱۰۶۰۸	۱۰۱	۸۴۱۹	۱۲۲۲۳۲	۲۹
۱۹۸۹	۱۳۰۸۱	۱۳۴۴۸	-۳۶۷	۱۱۳۱۵	۱۱۹۵۹۷	—
۱۹۹۰	۱۹۳۰۵	۱۸۳۳۰	۹۷۵	۱۶۸۳۱	۱۱۷۴۸۱	—

منبع: بولتن آمار سالانه اوپک / ایران سال ۲۰۰۵ میلادی

مشکلات اقتصادی ایران تحت‌تاثیر جنگ در سال ۱۳۶۵ وارد عرصه کشاورزی شد. نظریه‌پردازانی همانند دیوید گودمن و همکاران به این موضوع اشاره دارند که رشد اقتصادی از طریق حوزه کشاورزی نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهایی همانند «مناسب‌سازی تولید»، «جانشین‌سازی کالاهای تولیدی» و «ایجاد یک نظام صنعتی سازمان‌یافته» برای ارتقا قابلیت‌های کشاورزی است. گودمن به این موضوع اشاره داشت که توسعه کشاورزی بدون بهره‌گیری از سازوکارهای اقتصاد صنعتی امکان‌پذیر نیست (جانستون و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۵).

چالش‌های اقتصادی ایران در سال ۱۳۶۷ به نحوی افزایش یافت که ارزش افزوده بخش کشاورزی و صنعتی به گونه مشهودی دچار مشکل گردید. بخش کشاورزی در سال‌های پس از انقلاب، برخلاف سایر بخش‌های تولیدی، همواره رشدی مثبت داشت، در این سال با کاهش مواجه شد و از ۲۸,۸۶۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۶ به ۲۸,۶۸۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت. در این سال رکود حاکم بر فعالیت‌های صنعتی که از نیمه دوم سال ۱۳۶۴ شروع شده بود، گسترده‌تر شد (عظیمی، ۱۳۸۰: ۳۱).

۲-۲. نقش اقتصاد دولتی در فرآیند دفاع مقدس

اقتصاد دولتی از این جهت اهمیت دارد که ایران محور اصلی درآمدهای خود را از طریق منابع ملی تأمین می‌کند. فروش نفت و بسیاری دیگر از منابع طبیعی منجر به تقویت اقتصاد دولتی گردیده است. اهمیت اقتصاد دولتی را می‌توان در شکل‌بندی‌های رقابت اجتماعی بازیگرانی دانست که از قابلیت لازم برای بهینه‌سازی معادله قدرت در رقابت‌های منطقه‌ای برخوردارند. دفاع مقدس توانست زمینه ارتقا نقش دولت در فضای توزیع خدمات اجتماعی را به وجود آورده و به این ترتیب، اقتصاد دولتی تحت تأثیر دفاع مقدس رشد یافت. جدول ذیل، نسبت بین هزینه‌های دفاعی و تولید ناخالص داخلی ایران را منعکس می‌سازد.

اقتصاد ایران در طول جنگ تحمیلی سه دوره رکود و رونق اقتصادی را تجربه کرده است: با شروع جنگ و آسیب دیدن مراکز صنعتی از جمله تأسیسات نفتی و پالایشگاه‌ها در جنوب و جنوب‌غربی کشور و با وجود بالا بودن قیمت نفت در بازارهای جهانی، درآمدهای نفتی ایران به دلیل کاهش صادرات نفت تنزل یافته بود. تحریم اقتصادی کشور از جانب غرب و بلوکه کردن ذخایر ارزی کشور از دلایل عمده رکودی بود که تا سال ۶۰ ادامه داشت. مشکلات اقتصادی کشور فعالیت بخش‌های مختلف را تحت الشعاع قرار داد و فعالیت‌های صنعتی به‌دلیل مسائل خاص خود از قبیل کمبود مواد اولیه و مواد خام وارداتی و گران بودن آنها در بازارهای جهانی، کمبود و عدم دسترسی به قطعات و لوازم یدکی مورد نیاز ماشین‌آلات، مشکلات مالی و کمبود نیروی انسانی متخصص کاهش یافت.

یکی از شاخصه‌های مهم اقتصادی که وضعیت کلان اقتصادی هر کشوری را نشان می‌دهد، تولید ناخالص داخلی است که در دوران جنگ و در فاصله سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۹ با توجه به خروج بخش زیادی از عوامل تولید مانند کارخانجات، پالایشگاه‌ها، نیروی انسانی، اراضی قابل کشت و نیز کاهش منابع ارزی برای تأمین مواد اولیه و کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای وارداتی، رشد منفی معادل ۱/۹- داشت. این روند پس از پایان جنگ، در سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۶۸ با رشد مثبتی معادل ۶/۲ درصد همراه شد (دژپسند، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

نسبت امور دفاعی به تولید ناخالص داخلی ایران در سال‌های دفاع مقدس

سال	تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (میلیارد ریال)	کل امور دفاعی (به میلیارد ریال) جاری	بار دفاعی
۱۳۵۹	۶/۴۴۵	۳۷۴/۹۹	۵/۸
۱۳۶۰	۷/۷۶۹	۳۲۵/۸۳	۴/۲
۱۳۶۱	۱۰/۲۶۳	۳۳۴/۵۳	۳/۳
۱۳۶۲	۱۲/۸۴۲	۳۳۰/۰۶	۲/۶
۱۳۶۳	۱۴/۰۶۸	۳۶۰/۰۷	۲/۶
۱۳۶۴	۱۴/۹۷۴	۴۸۰/۲۳	۳/۲
۱۳۶۵	۱۵/۲۱۶	۴۷۰/۲۰	۳/۱
۱۳۶۶	۱۸/۵۲۷	۴۶۰/۷۰	۲/۵
۱۳۶۷	۲۰/۶۹۹	۵۲۵/۹۰	۲/۵

(دری گورانی، ۱۳۹۲: ۱۴۴)

دومین نشانه تاثیرگذاری دفاع مقدس بر اقتصاد دولتی را می‌توان در حداکثرسازی درآمدهای نفتی دانست. حداکثرسازی درآمدهای نفتی با این هدف شکل می‌گیرد که ایران بتواند زمینه‌های لازم برای موازنه قدرت با عراق را به وجود آورد. موازنه مالی و موازنه قدرت از این جهت اهمیت دارد که موقعیت کشورها در ادامه جنگ‌های منطقه‌ای را ارتقا می‌دهد. هرگونه تغییر در موازنه‌سازی قدرت را می‌توان به‌عنوان بخشی از محدودیت کشورها در فضای جنگ‌های منطقه‌ای دانست.

موازنه درآمدهای نفتی ایران و عراق از این جهت اهمیت دارد که قابلیت این کشورها برای تامین نیازهای عمومی جامعه و تامین هزینه‌های نظامی را فراهم می‌سازد. ایران در سال‌های دهه ۱۹۷۰ توانست موقعیت خود را در ساختار اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای ارتقا دهد. در دوران جنگ تحمیلی، ایران در وضعیت موازنه منفی درآمدهای اقتصادی نسبت به عراق قرار گرفت. علت اصلی شکل‌گیری چنین فرآیندی را باید در کنش تهاجمی عراق علیه تاسیسات نفتی و روند صادرات نفت جمهوری اسلامی دانست.

۲-۳. اقتصاد غیردولتی ایران در دوران دفاع مقدس

در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در سال ۱۳۵۹ دولت عراق به سرزمین ایران تجاوز کرد و آتش جنگ هشت ساله را برافروخت که خسارت‌های انسانی، اجتماعی، مالی و اقتصادی هنگفتی را بر دو کشور وارد کرد. خسارت اقتصادی وارده بر ایران تنها تا پایان شهریور ماه ۱۳۶۴ حدود ۳۰۹ میلیارد دلار شده بود. درحالی‌که هزینه نیروهای مسلح ایران در سال ۱۳۶۵ یک‌سوم بودجه و در سال ۱۳۶۶ یک‌چهارم بودجه و یک‌سوم امکانات ارزی کشور بود، هزینه اقتصادی جنگ برای عراق در فاصله سال‌های ۶۴-۱۳۵۹ برابر ۸۵-۱۹۸۰ معادل ۲۲۶ میلیارد دلار بوده است (روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۶/۳: ۲).

اقتصاد غیردولتی در دوران دفاع مقدس رشد قابل توجهی پیدا کرد. علت اصلی آن را می‌توان در تولید کالاهای اقتصادی توسط بخش خصوصی دانست. بخش خصوصی توانست موقعیت خود را به موازات بخش دولتی ارتقا داده و از این طریق جایگاه ویژه‌ای در تولید ناخالص داخلی پیدا کند. بخش خصوصی میزان کنش ارتباطی گسترده‌ای با بازارهای اقتصادی بین‌المللی داشته و از این طریق توانست زمینه لازم برای همکاری‌های بین‌المللی و رشد اقتصاد تجاری را فراهم آورد. با حمله عراق به ایران، هزینه‌های نظامی دوباره رو به افزایش گذاشت آن هم در شرایطی که در برخی سال‌ها درآمد ایران از نفت صادراتی به کمتر از ۱۰ میلیارد دلار می‌رسید. پس از پایان جنگ بازسازی ارتش و تجهیز سپاه رشد جهشی هزینه‌های نظامی ایران را موجب شد به طوری که در برنامه یکم توسعه پس از انقلاب، هزینه‌های نظامی و انتظامی و تقویت بنیه دفاعی ۳۲ درصد و در برنامه دوم هزینه‌های امور دفاع ملی و هزینه‌های انتظامی ۲۶/۳ درصد هزینه‌های جاری بودجه را دریافت داشته است (رزاقی، ۱۳۷۶: ۲۷۸).

هزینه‌های اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم ایران در دوران دفاع مقدس

حوزه	منابع نفتی	صنعت	آب، برق و گاز	کشاورزی	بخش
۳۳۳/۹	۱۵۹/۶	۳۳/۶	۲۷/۳	۳۵/۷	خسارتهای مستقیم
۵۲/۵	۲۸۷/۷	۱۶/۸	۳۵/۷	۲۹۶/۱	خسارتهای غیرمستقیم

Source: Iranian Planning and Budget Organization (PBO), 1990 (Billion US\$, inflation adjusted 2018)

در شرایط جنگی، فقط نیروی انسانی تحت تأثیر نیازهای جنگی دچار جابجایی و انتقال نمی‌شود، بلکه سایر عوامل تولید نیز از فضای جنگی متأثر می‌شوند که این امر کاهش تولید در

بخش غیرنظامی را به دنبال خواهد داشت. منابع طبیعی و تجهیزات نیز مانند سایر عوامل تولید به دلیل اهمیت و افزایش تقاضا از فرآیند تولید خارج شده و به بخش جنگ منتقل می‌شوند و موجب کمبود منابع و مواد اولیه مورد نیاز در بخش غیرنظامی شده که در نتیجه بیکاری و کاهش عرضه و تولید کالا را به همراه دارد.

قرار گرفتن بنگاه‌های اقتصادی و تجهیزات تولیدی در مناطق جنگی، تخریب مراکز اقتصادی و تجهیزات و لوازم کارخانجات از جمله کارخانجات تولیدی در دوران جنگ موجب کاهش تولید می‌شود. این موضوع در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نمایان‌تر است. در این کشورها تأمین و ترمیم لوازم و تجهیزات خسارت دیده و تکنولوژی مربوط به آن و دستیابی مجدد به آن تکنولوژی، مشکل بزرگی است و اگر جنگ در آن بخش از کشور که واحدهای صنعتی و اقتصادی متمرکز است، بروز کند، آثار تخریبی آن بیشتر می‌باشد (دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷: ۲۴).

۴-۲. سیاست ارزی ایران در دوران دفاع مقدس

دولت دوران جنگ با تخصیص آگاهانه ارز به هزینه‌های دفاعی و کالاهای اساسی که عمده‌ترین اقلام بودجه ارزی کشور را تشکیل می‌داد، سعی داشت مانع از تخصیص غیربهبینه منابع ارزی کشور شود و همچنین در طول جنگ به رغم افزایش حجم پول و سطح تورم، نرخ ارز رسمی ثابت بود. از دیدگاه دولت، تثبیت نرخ ارز با هدف تأمین ارزان قیمت مواد اولیه و واسطه‌ای وارداتی مورد نیاز صنایع داخلی ضروری می‌نمود و نیز می‌توانست در جهت افزایش صادرات غیرنفتی از زاویه پایین نگه داشتن قیمت کالاهای صادراتی تا حدودی مفید واقع شود.

سیاست‌های ارزی اتخاذ شده در دوره جنگ، نوعی فاصله گرفتن از نرخ رسمی پول ملی و قبول تضعیف آن در مقابل ارزهای دیگر به شمار می‌آید که می‌توان آن را «تضعیف پنهان» نامگذاری کرد. عناوینی همچون ارز رسمی، ارز تهاتری، ارز دانشجویی، ارز درمانی و ارز مسافرتی در دوران جنگ تحمیلی ناشی از سیاستگذاری‌هایی بود که تلاش داشت قیمت ارز هر بخش را بر حسب اولویت‌های موجود تعیین نماید. جدول ذیل روند افزایش تفاوت بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی را که حاکی از تضعیف ارزش ریال بوده است، نشان می‌دهد.

نرخ دلار در بازار آزاد (غیررسمی) و نرخ رسمی در طول سال‌های جنگ (ریال)

نرخ دلار / سال	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
نرخ بازار آزاد (غیررسمی)	۲۰۰	۲۷۰	۳۵۰	۴۵۰	۵۸۰	۶۱۴	۷۴۲	۹۹۱	۱۰۱۹
نرخ رسمی	۷۱	۸۰	۸۴	۸۷	۹۲	۸۸	۷۷	۷۰	۶۹

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همراه با کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی، تخریب تأسیسات نفتی و مراکز اقتصادی و رکود اقتصادی در سال‌های پایانی جنگ، موجب کمبود شدید ارز در کشور شد و دولت در تهیه ارز کافی برای بخش‌های اقتصادی با دشواری بسیار مواجه بود که در نتیجه مشکل جدیدی برای اقتصاد بروز کرد و آن در آستانه دلاری شدن اقتصاد ایران بود. دلاری شدن اقتصاد به وضعیتی گفته می‌شود که دلار جایگزین پول ملی شود. در چنین شرایطی، اقتصاد جامعه به طور کلی از یکسو تحت تأثیر نوسانات ارزی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر برای ارز، تقاضای فزاینده و مصنوعی به وجود می‌آید و چون مقدار آن، کم و عرضه آن محدود است بنابراین به تشدید مشکلات اقتصادی منجر می‌شود.

۲-۵. اقتصاد مقایسه‌ای ایران و عراق در جنگ تحمیلی

عراق در سال ۱۹۸۰ میلادی با داشتن ۳۵ میلیارد دلار ذخایر ارزی و ۲۵-۳۰ میلیارد دلار درآمد سالانه حاصل از فروش نفت، کسری بودجه ناچیزی داشته و استقراض عمومی‌اش کم بوده است. عراق در سال ۱۹۷۹ دومین تولیدکننده نفت اوپک پس از عربستان سعودی بود و میزان تولید آن به ۳/۵ میلیون بشکه در روز رسید که از این میان فقط مقدار ناچیزی از آن را صرف هزینه‌های جاری، عمرانی و سرمایه‌گذاری می‌کرد. حزب بعث با اتکاء به سود سرشار و درآمد ارزی حاصل از فروش نفت در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی توانست ارتش قدرتمند و منظمی مهیا کند (دژپسند، ۱۳۸۷: ۱۴). ظهور الیگارشی جدید در عراق بعد از جنگ با ایران، چالش‌های آن کشور در حوزه اقتصادی و اجتماعی را افزایش داد. بسیاری از شاخص‌های اقتصادی عراق در دوران جنگ تشدید شد. حکومت عراق در حالی که مشغول امضای موافقتنامه برای جدول‌بندی بدهی‌های خارجی با برخی دولت‌های وام‌دهنده یا واسطه‌های آنان بود، اصلاً بحران اقتصاد عراق را درک و به مشکلات آن توجه خاصی نکرد. در طی جنگ با ایران حکومت عراق موفق به تجهیز قوای نظامی‌اش شد، به طوری که پس از خاتمه جنگ دومین کشور بزرگ عربی دارنده تسلیحات نظامی

بعد از مصر شد. عدم اهتمام حکومت به برنامه‌های توسعه‌ای و سوءمدیریت اقتصادی باعث شد پدیده‌های رشوه و فساد در کشور فراگیر شود و معاملات غیرقانونی از جانب مقامات بلندپایه حکومت شکل بگیرد.

مقایسه شاخص‌های اقتصادی عراق در طول سال‌های ۹۰-۱۹۸۰

سال / عراق	کل صادرات (میلیون دلار)	کل واردات (میلیون دلار)	تراز تجاری (میلیون دلار)	ارزش صادرات نفت (میلیون دلار)	GDP بر حسب سال جاری (میلیون دلار)
۱۹۸۱	۱۰۱۴۰	۲۰۷۳۵	-۱۰۵۹۵	۱۰۰۳۹	۳۲۵۸۰
۱۹۸۲	۱۰۰۳۳	۲۱۵۳۴	-۱۱۵۰۱	۹۹۳۳	۳۶۷۷۷
۱۹۸۳	۸۱۶۱	۱۲۱۶۶	-۴۰۰۵	۷۸۱۶	۳۷۴۹۵
۱۹۸۴	۹۳۱۷	۱۱۰۷۸	-۱۷۶۱	۸۸۶۳	۴۲۵۳۱
۱۹۸۵	۱۰۴۰۹	۱۰۵۵۶	-۱۴۷	۱۰۰۹۷	۴۴۲۰۴
۱۹۸۶	۷۴۶۵	۱۰۱۹۰	-۲۷۲۵	۶۹۰۵	۳۹۹۲
۱۹۸۷	۹۷۰۵	۷۴۱۵	۲۲۹۰	۹۴۱۶	۴۳۷۰۲
۱۹۸۸	۹۶۰۹	۱۰۲۶۸	-۶۵۹	۹۳۱۲	۴۳۴۱۱
۱۹۸۹	۱۲۲۸۴	۹۸۹۹	۲۳۸۵	۱۱۸۷۶	۴۸۴۲۲
۱۹۹۰	۱۳۰۱۴	۶۵۲۶	۳۷۸۸	۹۵۹۴	۱۷۸۸۱

منبع: بولتن آمار سالیانه اوپک/ عراق سال ۲۰۰۵ میلادی

نتیجه‌گیری

جهت‌گیری مدیریت اقتصادی کشور در سال ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ معطوف به حداکثرسازی خدمات بوده است. به همین دلیل است که کوان هریس مساله اصلی تفکر خود را در ارتباط با سیاست و دولت رفاه در ایران تبیین می‌کند. اگرچه در این دوران تاریخی نشانه‌هایی از وجود دولت مولد، دولت پاسخگو، دولت کارآمد و دولت خودسامانده مشاهده نمی‌شد. اما سیاست اقتصادی دولت می‌توانست در راستای دولت استخراجی و دولت تخصیصی ایفای نقش نموده و از این طریق می‌توانست خدمات اولیه و حداقلی را برای گروه‌های اجتماعی مختلف تخصیص دهد.

هرگاه جنگ منطقه‌ای پرشدت و طولانی شکل می‌گیرد، تاثیر خود را بر شاخص‌های اقتصادی کشور و بازیگران منطقه‌ای به جا می‌گذارد. در فرآیند دفاع مقدس، زمینه برای بهینه‌سازی اقتصاد

ترکیه به وجود آمد. به همان گونه‌ای که عربستان موقعیت خود را به گونه تدریجی در ساخت سیاسی و اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس ارتقاء داد. بهینه‌سازی موقعیت اقتصادی ترکیه و عربستان، به مفهوم مزیت نسبی آنان برای اثرگذاری در محیط منطقه‌ای بوده است. هر یک از فرآیندهای یاد شده تاثیر خود را بر معادله قدرت، امنیت و موازنه منطقه‌ای به جا خواهد گذاشت. با محاسبات اقتصادسنجی، نتایجی که بر اساس تخمین دو الگوی مختلف به دست آمده، مؤید تاثیر مثبت مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی در ایران در دوران جنگ تحمیلی بوده است. جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، بازار تسلیحات گوناگونی را فراهم نمود. در این بازار، کشورهای زیادی با انگیزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی وارد شدند و سلاح‌های خود را به فروش رساندند.

منابع

- احتشامی، انوشیروان(۱۳۸۵). گذار از بحران جانشینی، ترجمه زهره پوستین چی و ابراهیم متقی، تهران: نشر قومس.
- احمدی امویی، بهمن(۱۳۸۲). اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات گام نو.
- اسدی، مرتضی(۱۳۷۱). سیاست‌های اقتصادی در بحران جنگ، سیاست دفاعی، ۲(۱)، ۱۳۰-۱۶۹.
- برنر، رابرت(۱۳۸۱). بحران در اقتصاد جهانی: گزارشی ویژه درباره اقتصاد جهان ۱۹۹۸-۱۹۵۰، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر اختران.
- ثانی‌نژاد، غلامرضا(۱۳۷۳). ریشه‌یابی تهاجم عراق به ایران، بررسی‌های نظامی، ۴(۱۴)، ۱-۲۳.
- جانستون، آر جی؛ تیلور، پیتر و واتز، مایکل(۱۳۸۳). جغرافیای تحول جهانی، ترجمه نسرين نوریان، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران.
- خان احمدی، اسماعیل و خودسیانی، مصطفی(۱۴۰۰). بررسی نقش انگیزه بر مشارکت و حماسه آفرینی مردم در دفاع مقدس و تحقق اهداف جنگ. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۲)، ۱۱۹-۱۴۴.
- دری‌نوگورانی، حسین(۱۳۸۲). تحلیل چندجانبه دینامیک اقتصاد دفاعی ج.ا.ا، تهران: ستاد کل نیروهای مسلح.
- دری‌نوگورانی، حسین(۱۳۹۲). اقتصاد دفاع در دوران جدید، تهران: انتشارات ساقی.
- دژپسند، فرهاد و رئوفی، حمیدرضا(۱۳۸۷). اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، مرکز اسناد دفاع مقدس، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- دژپسند، فرهاد و رئوفی، حمیدرضا(۱۳۸۷). اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- رزاقی، ابراهیم(۱۳۷۶). آشنایی با اقتصاد ایران، تهران: نشر نی.
- روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۶/۳، به نقل از اقتصاد ایران.
- زرقانی، سید هادی(۱۴۰۰). بررسی و تبیین راهبردهای دفاعی حضرت امام خمینی(رحمه الله علیه) در دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، ۳۳-۶۸.
- سبحانی فر، علی(۱۴۰۰). ارائه الگو دفاع نرم سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر گفت‌وگو امام خامنه ای(مدظله العالی). مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، ۶۹-۸۹.
- عظیمی، حسین(۱۳۸۰). تحلیل شرایط و سیاست‌های اقتصادی در دوره جنگ ایران و عراق، مطالعات دفاعی و امنیتی، ۷(۲۷)، ۱-۳۲.
- مومر، برنارد(۱۳۸۶). نفت و حاکمیت ملی، ترجمه علیرضا حمیدی یونسی، تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

مهرابی‌نژاد، حسن (۱۳۸۸). کارکردهای اقتصاد رانتی و تأثیر آن بر روند جنگ ایران و عراق، نگین ایران، ۳۰(۸)، ۶۵-۷۶.

میرترابی، سعید (۱۳۸۸). بررسی مقایسه‌ای چارچوب‌های تحلیلی و روش‌شناختی مطالعات نفت و سیاست، پژوهش سیاست‌نظری، ۳(۶)، ۱۶۱-۱۸۶.

میرترابی، سعید؛ سمیعی، مهرانگیز و ربیعی، اسماعیل (۱۳۹۰). تبیین نقش نفت در تحولات آغاز، استمرار و پایان جنگ ایران و عراق، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۳(۸)، ۲۱-۴۹.

هریس، کوان (۱۳۹۸). انقلاب اجتماعی؛ سیاست و دولت رفاه در ایران، ترجمه محمدرضا فدایی، تهران: انتشارات شیرازه.

Alnasrawi, Abbas (1994), "The Economy of Iraq: Oil, Wars, Destruction of Development and Prospects, 1950-2010", Westport, CT, Greenwood Press.

Amirahmadi, Hooshang (1990), "Revolution and Economic Transition: The Iranian Experience", Albany: State University of New York.

Billon, Philippe le (1985), "Fuelling War: Natural Resource and Armed Conflicts", Oxford University Press.

Bromley, Simon (2005), "The United States and the Control of World Oil", Government and Opposition, Vol. 40, No 2.

Chubin, Shahram and Charles Tripp (1988), "Iran and Iraq at War", I. B. Tauris.

Chubin, Shahram, (1989), "The Last Phase of the Iran-Iraq War: From Stalemate to Ceasefire", Third World Quarterly, Vol. 1, No. 2, April.

El -Sayed El-Shazly, Nadia (1998), "The Gulf Tanker War: Iran and Iraq's Maritime Sword's Play", Macmillan.

Fitzgerald, Valpy (2000), "The International Political Economy of Conflict in Poor Countries in War and Underdevelopment", Oxford: Oxford University Press.

Hoagland, Eric (1989) "The Islamic Republic at War and Peace", Middle East Report, January.

Kurzman, Charles (2013), "Death Tolls of the Iran-Iraq War", Available Online at: <https://kurzman.unc.edu/death-tolls-of-the-iran-iraq-war/>.

Mahdavy, Hossein (1989), "The Patterns and Problems of Economic Development in Rentier States: The Case of Iran", London: Oxford University Press.

Shariati, Shahroz & Masoud Ghaffari (2019), "The Iran-Iraq War: Geopolitical Economy of the Conflict", Geopolitics Quarterly, Vol. 14, No 4, winter, pp. 46-61.